



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

# گزارشی از «کودکان و کار»

کودکان کارگر را تشکیل می‌دهند. طبق برآورد چند سال قبل سازمان جهانی کار، تعداد بچه‌های کارگر در جهان در حدود ۵۰ میلیون نفر می‌باشد. هر چند که این رقم بسیار بالاست، اما معمولاً بر این عقیده‌اند که رقم واقعی بسیار بیش از اینهاست. برخی از کارشناسان بر این باورند که احتمالاً امروزه دست کم ۱۰۰ میلیون کودک کارگر در جهان وجود دارند و طبق بررسی اخیر سازمان

امروزه در پاره‌ای از کشورهای آسیایی کودکان کارگر زیر ۱۵ سال، جمعیتی در حدود یازده درصد کل نیروی کار را تشکیل می‌دهند. در قسمت‌هایی از آفریقا، این نسبت تا هشتده درصد نیز می‌رسد و در برخی از کشورهای آمریکای لاتین، برآوردهای موجود مشخص می‌کنند که از دوازده تا بیست و شش درصد کودکان کار می‌کنند. این عده تنها قسمتی از سپاه جهانی

منبع: انور حسینی راد

جهانی کار در زمینه کار کودکان  
ممکن است چیزی کمتر از دو سال  
باشد.

تا اوایل دهه ۱۹۶۰ پیشرفت قابل  
ملاحظه‌ای در کاهش کودکان کار  
آمده که قسمت عمده‌ای از آن در سایه کم‌تر شدن  
سریع و هیجان‌آمیز آموزش ابتدایی در پاره‌ای  
کشورهای در حال توسعه بوده است، که منجر به  
بازداری جوانان کم سال و گروه‌های  
آسیب‌پذیر از ورود به بازار کار گردیده است.  
نرخ ثبت نام دبستانی برای کودکان ۶ تا  
۱۱ سال در آفریقا و در خلال سالهای ۱۹۶۰ تا  
۱۹۸۵ به دو برابر بالغ شده است (از ۳۲/۷  
درصد به ۶۵/۹ درصد)، در آسیا و در طی همان  
مدت ثبت نام دبستانی از ۵۴/۴ درصد به ۷۳/۶  
درصد ترقی کرده در حالیکه در آمریکای لاتین  
و حوزه دریای کارائیب این رقم از ۵۷/۷  
درصد به ۸۳/۵ درصد رسید.

اما این سیر صعودی ثبت نام دبستانی  
نا برابر و دور از معیارهای جهانی است و هنوز  
در بسیاری از بخشهای جهان سوم، تعداد  
کثیری از کودکان در صنایع خطرناک از قبیل  
معادن، جوشکاری، کارخانجات ذوب فلزات و  
غیره به کار اشتغال دارند. بسیاری از آنها  
صدمات شدید می‌بینند، تعداد زیادی از آنها با  
مرگ قرارداد دارند و یا دچار انواع  
معلولیت‌های شدید می‌گردند. از کودکان بسیار  
زیادی در مزارع آلوده به سموم دفع آفات،  
کارگاهها، مؤسسات خدماتی، دوره‌گردی در  
خیابانهای بخشهای غیر رسمی مناطق شهری  
بعنوان نیروی کار ارزان سوء استفاده می‌شود.  
سازمان جهانی کار در بررسی‌های خود این  
قبیل کارها را که با کمک کردن کودکان به  
خانواده خود در مزارع و غیره و یا بدست  
آوردن پول توجیبی پس از اتمام ساعات درس  
مدرسه تفاوت فاحش دارد، نوعی بردگی  
کودک اطلاق می‌کند و این زمانی است که  
کودکان را مجبور می‌سازند تن به پست‌ترین

سخت‌ترین کارها را بزرگ سالان داده و روز و  
شب در قرحم در پیش رو و چشم‌اندازی  
بسیار کار از آینده خود داشته باشند.

این وضعیت، در کشورهای عقب مانده که  
بیشتر درآمدی بسیار ناچیز دارند، ابعادی  
وسیعتر پیدا کرده و از نظر دامنه محدود  
انگیزات عملی در آن کشورها، رقت‌بساتر  
است. اما برسیهای سازمان جهانی کار نشان  
می‌دهد که حتی در این قبیل کشورها نیز،  
مسئولان می‌توانند برای مقابله با خطرات و  
شرایط نامناسب کار این کودکان اقدامات مؤثری  
به عمل آورند و به عنوان یک اقدام اضطراری  
و عاجل، مسئولان باید توجه و تلاش خود را  
معطوف به مناطقی از کشورهای خود سازند که  
مسئله کار کودکان نسبتاً جدی‌تر و حادث‌تر است  
و بتدریج دامنه فعالیت خود را به سایر قسمتها  
متمرکز نمایند.

چنین می‌نماید که برای حذف کار  
طاقت‌فرسای کودکان در جوامع، باید تلاش  
کرد تا بیماریهای اجتماعی بوجود آورنده این  
وضع یعنی فقر و بیکاری درمان گردند.

هر چند که آموزش و پرورش نقش مهمی  
بر علیه بردگی کودکان بازی می‌کند، اما هزینه  
آن برای خانواده‌های بسیار فقیر بسیار سنگین  
است و غالباً از عهده آن بر نمی‌آیند. برخی از  
مطالعات نشان داده‌اند که درآمدهای کودکان  
گاه تا ۳۰ درصد درآمد خانواده را تأمین  
می‌کند. با اعزام کودکان به مدارس و از دست  
دادن این دستمزدها، وضعیت اسف‌بار  
خانواده‌های آنها، از آنچه که هست نیز بدتر  
خواهد شد.

علاوه بر این، اگر فقر تنها علت اصلی کار  
توانفرسای کودکان است، نتیجه کار کودکان  
نیز می‌تواند عاملی برای فقر بحساب آید. چرا  
که، وقتی تعداد کثیری از کودکان بناچار کار  
کنند، بدین معناست که آنها جای کارگران  
مسن‌تر را گرفته‌اند. کارگرانی که معمولاً  
دستمزد بیشتری می‌گیرند و کار کردن آنها

احتمالاً تحت نظر سازمان جهانی کار است.  
این چنین شرایط نامناسب تنها تصویب و  
اجرای مؤثر قوانین و مقررات متناسبی را  
ایجاب می‌کند، بلکه ضرورت دارد در خصوص  
طرحهای ایسجاد آمد - اشتغال برای  
بزرگترها نیز پیش‌بینی‌هایی بعمل آید و راههای  
اصولی که بتواند باری از دوش خانواده‌های  
فقیر بردارد - بویژه در مناطقی که مشخصاً  
دارای تعداد بیشتری از کارگران کم سن و سال  
می‌باشد - مورد توجه قرار گیرد.

در نهایت، میزان توجه به هدفهای  
اجتماعی، از جمله تلاش برای کاهش میزان  
کار کودکان و حفاظت از حقوق کودکان  
کارگر، بستگی به میزان تعهد سیاسی جوامع  
دارد. وزارتخانه‌های ذیربط در هر حکومتی -  
وزارت کار، آموزش و پرورش، بهداشت، رفاه  
اجتماعی - می‌باید به اتکای هم برنامه‌های  
اجتماعی مناسبی را تدارک ببینند.

کار کودکان همواره توجه اصلی سازمان  
جهانی کار را بخود معطوف داشته است. این  
سازمان معتقد است که حمایت از کودکانی که  
کار می‌کنند و حذف زمینه‌های اشتغال کودکان  
مستلزم اقدام دسته جمعی دولتها و همکاری  
فعالانه سازمانهای کارفرمایان و کارگران  
است.

استانداردهای بین‌المللی بسیار گسترده‌ای  
در مورد کودکان، توسط سازمان جهانی کار  
تهیه شده و در طی بیش از ۲۰ اجلاس و  
توصیه‌نامه ارائه شده است، که شامل تعاریفی  
در مورد شرایط کار، مفاهیم و زمینه‌های  
اشتغال است و انعطاف کافی برای پوشش  
دادن به نیازهای کشورها در مراحل مختلف  
توسعه یافتگی را دارا می‌باشد.

مأخذ: نشریه اطلاعات سازمان جهانی کار،  
شماره ۴ اکتبر ۱۹۸۶